



# ذکر خدا و آثار



فصل اول - معنای ذکر:

راغب در «مفردات» می نویسد:

«ذکر گاه به معنای حفظ مطالب و معارف آمده است البته با این تفاوت که کلمه «حفظ» به آغاز آن گفته می شود و کلمه «ذکر» به ادامه‌ی آن و گاه ذکر به معنای یادآوری چیزی به زبان یا به قلب است. از این رو گفته اند ذکر دو گونه است: «ذکر قلبی»، «ذکر زبانی» و هر یک از آنها نیز بر دو قسم است: یا پس از فراموشی، یا بدون فراموشی.»<sup>۱</sup> مقصود از ذکر و یاد خدا آن است که انسان با تمام وجود خویش به ذات پاک خداوند توجه داشته باشد تا بدانجا که یاد خدا وی را از گناه و نافرمانی باز دارد. علم و قدرت بی پایان، رحمت وسیع، بشارت، مهربانی، خشم و غضبش را در نظر آورد و همه این امور وی را از یاد غیر حق منصرف سازد.

فصل دوم - حقیقت ذکر:

بزرگان اخلاق گفته اند:

«ذکر خدا تنها این نیست که نام خدا را بر زبان بیاوریم و مکرر، تسبیح، تهلیل و تکبیر بگوییم، بلکه منظور، آن است که با تمام قلب متوجه عظمتش باشیم و او را همه جا حاضر و ناظر بدانیم.»<sup>۲</sup>

ذکر و یاد خدا از فضایل ارزشمند اخلاقی است که در مسیر سازندگی انسان و هدایتش به سوی کمالات الهی بسیار مؤثر است. یاد خدا که خالق و مربی ماست نه تنها در اخلاق فردی بلکه در سازندگی یک جامعه نیز نقش ارزنده ای دارد. جامعه ای که در آن یاد خدا زنده باشد جامعه ای است نورانی پویا و تأثیر گذار.

بحث ذکر خدا آثار ارزشمند و مسائل مختلف آن را در چند فصل ارائه می کنیم:



در حیثی از رسول اکرم در تعریف نکر الهی می خوانیم که فرمود:  
 «لیس هو سبحانه الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لكن  
 اذا ورد علی ما یحرم الله علیه خاف الله تعالی عنده و ترکه».  
 «مقصود از آن، (فقط) گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا  
 الله و الله اکبر گفتن نیست؛ بلکه منظور آن است هنگامی که کار  
 حرامی در مقابل او قرار می گیرد از خدا بترسد و آن را ترک گوید»<sup>۳</sup>  
 بنابراین می توان گفت که «ذکر حقیقی» همان اطاعت خداست و  
 حقیقت ذکر آن است که انسان به گونه ای متوجه عظمت حق  
 باشد و به او توجه کند که از گناه باز ایستد و به طاعت خداوند  
 نیرومند گردد.  
 در حدیث دیگری از امام صادق به نقل از پدران از جمله رسول  
 گرامی اسلام (ص) می خوانیم که آن حضرت فرمود:  
 «من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صیامه و تلاوته و  
 من عصی الله فقد نسی الله و ان کثرت صلاته و صیامه و تلاوته؛ هر  
 کس که اطاعت خدا کند یاد خدا کرده است هر چند نماز و روزه و  
 تلاوت (قرآنش) اندک باشد و هر کس که نافرمانی خدا نماید خداوند  
 را فراموش کرده است هر چند نماز و روزه و تلاوت وی زیاد  
 باشد»<sup>۴</sup>

فصل سوم - مراتب ذکر:

ذکر و یاد حضرت حق برای خود مراتبی دارد که مؤمنان با  
 توجه به عمق ایمان و مراتب اعتقادی خود به خداوند متعال  
 در مرتبه ای از مراتب آن قرار می گیرند جمعی در این میان  
 همه‌ی مراتب ذکر را دارا هستند و برخی، تعدادی از آن  
 مراتب را به دست می آورند.

در کتاب «اخلاق در قرآن» آمده است:

۳- ذکر لفظی: که انسان نام خدا و اوصاف جلال و جمال  
 او و اسما حسنیاش را بر زبان جاری کند، بی آنکه  
 توجهی به مفاهیم و محتوای آن داشته باشد؛ مانند  
 بسیاری از نمازگزاران که بی توجه به معانی نماز  
 الفاظی را به زبان جاری می سازند. درست است که  
 این گونه ذکرها بی اثر نیست چرا که اولاً مقدمه ای  
 است برای رسیدن به مراحل بالاتر، ثانیاً همیشه به  
 یک مفهوم و توجه اجمالی آمیخته است زیرا شخص  
 نمازگزار اجمالاً می داند رو به خدا ایستاده است و  
 برای خدا نماز می خواند هر چند مفاهیم آن را به  
 تفصیل نداند. ولی به یقین این ذکر کم ارزش است و  
 تأثیر چندانی در تربیت نفوس و تهذیب اخلاق ندارد.

# ارتقا مند آن

- ۱- ذکر معنوی: آن این است که انسان در حالی که مشغول ذکر لفظی است به معانی آن، توجه کند. بدیهی است که توجه  
 به معانی و مفاهیم انکار به ویژه اگر متوجه تفاوت این مفاهیم و خصوصیت هر یک از آنها باشد عمق بیشتری به ذکر  
 می بخشد و آثار فزون تری بر تربیت انسان دارد و انسان با تداوم چنین زکری، آثار آن را در خود احساس می کند.
  - ۲- ذکر قلبی: در تفسیر آن گفته اند: ذکر قلبی آن است که توجه به پروردگار نخست از دل بجوشد و سپس بر زبان جاری  
 گردد مثلاً هنگام دقت و مطالعه در آثار خداوند و جهان آفرینش و مشاهده‌ی نظم عجیب کائنات و ظرافت فوق العاده‌ی  
 آنان به یاد عظمت خدا بیفتد و بگوید: «العظمه لله الواحد القهار عظمت ویژه‌ی خداوند یکتا و قاهر است» این زکری است  
 که از درون دل جوشیده و بیانگر حالتی در درون جان انسان است.
- گاه انسان یک نوع حضور معنوی در جان خود مشاهده می کند و بی آنکه واسطه ای در میان باشد به ذکر «یا سُبْح» ، «یا قُدُوس»  
 و یا انکاری همچون: «سبحانک اللهم لا اله الا انت» مترنم می شود.



این انکار قلبیه تأثیر فوق العاده ای در تهذیب نفس و پرورش فضایل اخلاقی دارد.<sup>۵</sup>

به هر حال وقتی ذکر همراه با تفکر باشد از مرتبه‌ی بالای ارزشی برخوردار است و به تعبیر حضرت امام خمینی (ره): «قوت و کمال تذکر بسته به قوت و کمال تفکر است و آن تفکر که نتیجه اش ذکر نام معبود است در میزان سایر اعمال نیاید و با آنها در فضیلت طرف مقایسه نشود. چنان که در روایات شریفه از عبادت یک سال و شصت سال و هفتاد سال تفکر یک ساعت را بهتر شمرده اند.»<sup>۶</sup>

- مراتب ذکر از دیدگاه امام خمینی و آثار هر مرتبه:  
حضرت امام در کتاب شریف «چهل حدیث» مراتب ذکر و آثار هر یک را چنین بیان می کند:

#### ۱- ذکر لفظی:

«ذکر لفظی و زبانی که از تمام مراتب ذکر نازل تر است نیز مفید فایده است زیرا که اولاً: زبان در این ذکر به وظیفه‌ی خود قیام کرده گر چه قالب بی روحی باشد. ثانیاً: ممکن است این تذکر پس از مداومت و قیام به شرایط آن اسباب باز شدن زبان قلب نیز بشود.»<sup>۷</sup>

- ذکر قلبی و زبانی:

حضرت امام خمینی در این ارتباط می نویسد:

«گر چه ذکر حق و تذکر از آن ذات مقدس از صفات قالب است و اگر قلب متذکر شد تمام فوایدی که برای ذکر است به آن مترتب می شود ولی بهتر، آن است که ذکر قلبی، متعلق به ذکر لسانی نیز گردد.»<sup>۸</sup>

۳- برترین مراتب ذکر:

امام در این باره نیز می نویسد:

«کامل و افضل تمام مراتب ذکر آن است که در نشئات مراتب انسانیه ساری باشد و حکمش به ظاهر و باطن و سیر و علن جاری شود. پس در سیر وجود، حق جل و علا- مشهود باشد و صورت باطنیه‌ی قلب و روح صورت تذکر محبوب باشد.»<sup>۹</sup>

بنابراین برترین مرتبه‌ی ذکر حق آن است که تمام وجود انسان به یاد او باشد و تمام مراتب انسانی را ذکیر او فرا گرفته باشد و جز «الف قامت یار»<sup>۱۰</sup> هیچ چیز دیگری نیاموخته باشد.

هیچ کاری و هیچ اشتغال و حالتی وی را از یاد حضرت حق غافل نسازد همان گونه که در قرآن کریم در وصف مردان الهی می خوانیم:

«هم عباد من امتی الصالحون منهم لا تلهیهم تجارت و لا بیع عن ذکر الله و عن الصلوات المفروضات الخمس». «این مؤمنان بندگان صالحی از امت من هستند که هیچ تجارت و معامله ای آنها را از یاد خدا و نمازهای فریضه پنج گانه غافل نمی کند.»<sup>۱۲</sup>

فصل چهارم - اهمیت ذکر:

در بینش اسلامی و قرآن و حدیث از «ذکر» با اهمیت و عظمت یاد شده است با توجه به نقش سازنده ای که «ذکر» و یاد حق در سیر الی الله و پیمودن مدارج کمال دارد تعبیرات گوناگونی از بلندی مقام او به میان آمده است که نمونه های ذیل به خوبی از این امر حکایت می کند:

- استغفار از هر لذتی به غیر ذکر خدا:

در «مناجات الذاکرین» از امام سجاده (ع) می خوانیم:

«و استغفرک من کل لذت بغير ذکرک»، «خداوندا از هر لذتی به جز ذکر تو استغفار می کنم.»<sup>۱۳</sup>

از عارف واصل مرحوم شیخ رجبعلی خیاط نقل شده است که:

«جناب شیخ لذت بردن از غیر خدا را گناه می دانست روزی در گرمای شدید تابستان با بادبزن های دستی قدری خود را باد زد همین که احساس خنکی نمود بلافاصله گفت: «استغفرک من کل لذت بغير ذکرک و من کل شغل بغير طاعتک.» «خداوندا! از هر لذتی به جز ذکر و یاد تو و از هر راحتی جز انس با تو و از هر سروری جز نزدیک شدن به تو و از هر دل مشغولی جز فرمانبرداریت از تو آمرزش می طلبم.»<sup>۱۴</sup> «۱۵»

شاید مرحوم فیض کاشانی نیز در این چند بیت شعرش به همین نکته توجه دارد که می گوید:

ز هر چه غیر یار استغفر الله ز بود مستعار استغفر الله

دمی کان بگذرد بی یار رویش از آن دم بی شمار استغفر الله<sup>۱۶</sup>

۲- ذکر الله از نماز هم برتر است

در قرآن کریم هنگامی که به رسول خدا خطاب می شود:

«و اقم الصلاه ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر.» «نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی ها و منکرات باز می دارد.»<sup>۱۷</sup>

در ادامه آن می فرماید: «و لذكر الله اکبر» ذکر خدا از آن هم بالاتر است.

علامه حسن زاده املی در این ارتباط می گوید:

«بدان که کریمه «و لذكر الله اکبر» یک وجه آن این است که ذکر خداوند در نماز بزرگتر از اقوال و افعال - که صلوات شامل آنها است - می باشد یعنی هیچ یک از آنها به بزرگی ذکر الهی نیست.»<sup>۱۸</sup>



گویا نماز هم اگر ارزشمند است به سبب آن است که «ذکر الله» می باشد و همین ذکر خداست که انسان را از فحشاء و منکر باز می دارد و از همین رو در آیه ۱۴ سوره «طه» نیز خداوند خطاب به حضرت موسی می فرماید:

« اقم الصلاة لذكرك »

« نماز را برپا دار تا به یاد من باشی.»

مرحوم علامه طباطبائی تفسیر دیگری برای این آیه ذکر می کند و می نویسد:

جمله «و لذكر الله اكبر» در واقع برای ترقی و اضطراب از جمله پیشین است و مقصود از آن ذکر قلبی است که بر نماز مترتب می شود. گویا فرموده است: نماز را برپا دار تا تو را از فحشاء و منکر باز دارد بلکه ذکر و یاد خدایی که از نماز حاصل می شود بسی برتر از بازداشتن از فحشاء و منکر است چرا که ذکر و یاد خدا بزرگترین خیری است که نصیب انسان می شود و ذکر خدا کلید هر خیر است و نهی از فحشاء و منکر بخشی از خیر می باشد.»<sup>۱۹</sup>

مطابق تفسیر ایشان اثری که از نماز حاصل می شود قسمتی از آن نهی از فحشاء و منکر است ولی برترین اثر آن است که انسان به یاد خدا می افتد و همین منشاء همه خیرات است.

به هر حال چه جمله «ولذكر الله اكبر» اشاره به این باشد که «ذکر خدا از نماز هم بالاتر است» و یا به این معنا باشد که «برترین اثر نماز ذکر خداست» می توان دریافت که ذکر و یاد خدا ارزشی برتر از افعال و انکار در نماز دارد و اثر سازنده ذکر خدا بسی برتر از هر اثری است و همه اینها نشان از اهمیت ذکر خداست.

برخی دیگر از روایات که اهمیت ذکر را می رساند - به مناسبت - در فصل بعدی ذکر می شود.

فصل پنجم - ذکر خدا در همه حال:

به یاد خدا بودن مخصوص زمان خاصی نیست مؤمن باید همیشه و پیوسته به یاد خدا باشد و علاوه بر آن فراوان از خدا یاد کند و «ذکر کثیر» بگوید. تعبیراتی که در آیات و روایات به گونه های مختلف ذکر شده است به خوبی گویای این مطلب است:

۱- هر چیزی را حدی است به چیز ذکر خدا

در کتاب شریف کافی از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود:

«ما من شيء الا وله حد ينتهي اليه الا الذكر فليس له حد ينتهي

اليه: فرض الله عزوجل الفرائض فمن اداها من فهو حدهن و شهر

رمضان فمن صامه فهو حده و الحج فمن حج فهو حده الا الذكر

فان الله عزوجل لم يرض منه بالقليل و لم يجعل له حدا ينتهي اليه

ثم تلا هذه الآية: «يا ايها الذين امنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا و

سبحوه بكرة و اصيلا»<sup>۲۰</sup> هر چیزی را حدی است مگر ذکر که

برای او حدی نیست که به آن محدود شود

[به عنوان مثال]: خداوند نمازهای فریضه را واجب کرد حد او آن است که ادا شود. و روزه ماه رمضان حد روزه است و سرانجام اعمال حج نیز حد حج است که با آوردن آن حدش ادا می شود. اما ذکر را حدی نیست چرا که خداوند به اندک از آن راضی نیست و برای آن حدی قرار نداده است که بدان منتهی شود. آن گاه امام این آیه را تلاوت کرد که خداوند فرمود: «ای مؤمنان! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح نمایند»<sup>۲۱</sup>

علامه حسن زاده آملی در همین ارتباط می فرماید:

«عدم حد ذکر برای این است که انسان باید جزئیات کار خود را موافق با حکم الهی قرار دهد و همواره با حفظ مراقبت و حضور به یاد حق سبحانه باشد.»<sup>۲۲</sup>

علت این که ذکر خدا را حدی نیست آن است که اگر انسان لحظه ای از یاد خدا غافل شود ممکن است در دام شیطان اسیر شود و تنها یاد و ذکر پیوسته خداوند متعال است که انسان را بیمه می کند.

۲- ذکر فراوان به اندازه توانایی

هر چند ذکر الهی به هر اندازه ای ارزشمند است و آثار مثبت خود را دارد ولی اثر کامل ذکر الهی به آن است که فراوان باشد. پیوسته به یاد خدا بودن و فراوان وی را یاد کردن ارتباط محکمی را میان خلق و خالق ایجاد می کند و مسیر سیر الی الله را برای انسان هموارتر میسازد.

در روایتی از امام صادق(ع) می خوانیم که فرمود:

«اكثروا ذكر الله ما استطعتم في كل ساعة من ساعة الليل والنهار فان الله امر بكثرة الذكر له.»<sup>۲۳</sup> تا آنجا که می توانید - در هر ساعتی از شب و روز - فراوان خدا را یاد کنید چرا که خداوند به کثرت ذکر فرمان داده است.»<sup>۲۳</sup>

۳- ستایش خداوند از کسانی که فراوان خدا را یاد می کنند

قرآن کریم در یک تعبیر برابر از زنان و مردان مسلمان، مؤمن، مطیع فرمان خدا، راستگو، صابر و شکیبا، خاشع، انفاق کننده، روزه دار، پاکدامن و مردان وزنانی که بسیار به یاد خدا هستند ستایش می کند و می فرماید:

«إن المسلمين والمسلمات... والذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیما.»<sup>۲۴</sup> مردان



وزنان مسلمان... و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند خداوند برای همه آنها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» ۲۴

در این که مقصود از «ذکر کثیر» چیست؟ در روایات مصادیق مختلفی برای آن بیان شده است که همه آنها از قبیل ذکر مصداق است و مفهوم وسیع آن پیوسته به یاد خدا بودن است.

در حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) می خوانیم:

«هنگامی که مرد همسرش را شبانگاه بیدار کند و هر دو وضو بگیرند و نماز (شب) بخوانند از مردان و زنانی خواهند بود که بسیار یاد خدا می کنند.» ۲۵

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم: «هر کس تسبیح حضرت فاطمه (زهراس) را در شب بگوید مشمول این آیه (۳۵ احزاب) است.» ۲۶

۴- ذکر پیوسته خداوند از نشانه های خردمندان است

در آیه ۱۹۱ آل عمران در وصف اولی الالباب [خردمندان] که در آیه قبل از آنان یاد شده است می خوانیم: «الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم... آنان که خدا را در حال ایستادن نشستن و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند.»

در واقع بیان اینکه آنان خداوند را در حالت های مختلف یاد می کنند علامت آن است که پیوسته به یاد خدا می باشند.

۵- پس از نماز جمعه نیز به یاد خدا باشید

تردیدی نیست که نماز از بالاترین ذکرهای الهی است و نماز جمعه که بزرگترین اجتماع سیاسی - عبادی هفته است از مصادیق مهم ذکر خداوند است. ولی جالب توجه آن که قرآن دستور می دهد پس از نماز جمعه آنگاه که در زمین پراکنده می شوید باز هم به یاد خدا باشید و فراوان او را یاد کنید.

در آیه ۹ سوره جمعه از نماز جمعه به «ذکر خدا» تعبیر شده است و فرموده:

«یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله»، «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود به سوی ذکر خدا بشتابید.»

و در آیه بعد فرمود:

«فاذا قضیت الصلوات فانثسروا فی الارض وابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیرا لعلمکم تفلحون و هنگامی که نماز پایان یافت شما آزادید که در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند طلب کنید و خدا را بسیار یاد نمایید تا رستگار شوید.»

ادامه ذکر خداوند پس از نماز جمعه و پراکندگی در زمین و رفتن به بازار و منزل در واقع برای آن است که کسی تصور نکند حال نماز جمعه را خوانده است دیگر تکلیف او ساقط شده است و عالی ترین مدارج کمال را طی کرده است. بنابراین می توان سرگرم بازار و امور دنیوی شد از این رو قرآن سفارش می کند پس از نماز جمعه - برای ماندگاری آثار ارزشمند نماز جمعه - باز هم خدا را فراوان یاد کنید.

اصولا ادامه ذکر سبب می شود که یاد خدا در اعماق جان انسان نفوذ کند و ریشه های غفلت و بی خبری را - که عامل اصلی گناهان است - بسوزاند و انسان را در مسیر فلاح و رستگاری قرار دهد تا حقیقت «لعلمک تفلحون» برای مؤمن تحقق یابد.

فصل ششم - موضعی که در آنها به ذکر خدا سفارش شده است:

در برخی از مواضع و جایگاه ها به سبب ویژگی هایی علی الخصوص به ذکر خدا سفارش شده است که جامع آنها وقتی است که عوامل غفلت و دنیا زدگی بر انسان سیطره افکند. در چنین موضعی یاد خدا و ذکر حق عامل بازدارنده از گناه و سبب ثبات و پایداری در مسیر الهی می شود.

نمونه های ذیل به خوبی گواه مطلب فوق است:

۱- ذکر خداوند در بازار:

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«من ذکر الله فی السوق مخلصا عند غفلة الناس و شغلهم بما فیہ کتب الله له الف حسنة و غفر الله له یوم القیامة مغفرة لم تخطر علی قلب.» «بشر کسی که در بازار - در آن هنگام که مردم در غفلتند و به دنیا سرگرمند - خداوند را یاد کند خدا برای وی هزار حسنه می نویسد و در قیامت به قدری قرار می دهد که به قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد.» ۲۷

در حدیثی از امام امیرالمؤمنین (ع) می خوانیم که فرمود:

«اكثروا ذکر الله عزوجل اذا دخلتم الاسواق و عند اشتغال الناس فانه كفارة للذنوب و زیادة فی الحسنات و لا تکتبوا فی الغافلین.» «هنگامی که وارد بازارها می شوید و به هنگام سرگرمی و اشتغال مردم خداوند را فراوان یاد کنید چرا که ذکر خدا در چنین حالی سبب کفاره گناهان و افزایش در حسنات می شود و (در نتیجه) نام شما در گروه غافلان نوشته نمی شود.» ۲۸

یقینا در بازار - که محل کسب و کار و معامله و جایگاه سود و زیان دنیوی است - انگیزه های گناه مانند دروغش در معامله، احتکار، فریب و مانند آن فراوان است. از این رو یاد خداوند و توجه به «سبب سازی» و «سبب سوزی» او و اینکه برکت را باید از خدا خواست و برای سود و زیان دنیوی ایمان و آخرت خود را فروخت نقش مؤثری در بازدارندگی انسان دارد.



- وقت غذا خوردن:

امیر مؤمنان (ع) فرمود:

اکثروا ذکر الله على الطعام و لا تطفوا فانها نعمة من نعم الله و رزق من رزقه يجب عليكم فيه شكره و حمده. « به هنگام خوردن غذا خداوند را فراوان یاد کنید و طغیان و زیاده روی ننمائید زیرا طعام و غذا از نعمت های الهی و از روزی های اوست که بر شما لازم است. سپاس و ستایش او را به جا آورید.» ۲۹

گامی که انسان بر سر سفره غذا می نشیند - مخصوصاً آنجا که سفره رنگین باشد - غفلت از یاد خداوند سبب زیاده روی و طغیان می شود. به ویژه اگر بدانیم که پرخوری و زیاده روی سبب پی آمدهای گناه خیز دیگری نیز می شود. از این رو به یاد خدا بودن شکر و سپاس الهی را به جای آوردن و زبان به ستایش او گشودن انسان را از انواع آلودگی ها به گناهان و ناسپاسی ها باز می دارد.

۳- میدان نبرد:

حضرت علی (ع) می فرماید:

«إذالقيتم عدوكم فى الحرب فاقولوا كلامكم و اكثروا نكر الله عزوجل.» « به هنگام ملاقات با دشمن و در میدان جنگ از سخن خویش کم نمایید و خداوند را بسیار یاد کنید! » ۳۰

یاد خداوند در میدان نبرد سبب ثبات قدم و پایداری و ایستادگی در برابر دشمن می شود و از ضعف و سستی و یا فرار و تسلیم جلو گیری می کند.

با توجه به اینکه اگر هدف یک رزمنده در برابر دشمن هر چه بیشتر صبغه الهی به خود بگیرد و پیروزی و شهادت - هر دو را - فلاح و رستگاری بدانند موفقیت او بیشتر است تأثیر فراوان نکر الهی در میدان نبرد روشن می شود.

۴- به هنگام خشم:

رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد: «لبن آدم! انكرنى عند غضبك انكرک عند غضبى.» « ای آدمیزاد! به هنگام خشم و غضبت به یاد من باش! تamen نیز به هنگام غضبم به یاد تو باشم (و تو را از عذابم ایمن دارم)» ۳۱

روشن است که انسان به هنگام خشم از جاده اعتدال خارج می شود و معمولاً در پی اعمال خشم درونی و تشفیتش خاطر خود بر می آید و کمتر می تواند راه انصاف و درستی را پیش گیرد گاه انفجار خشم در پی خود گناهان بزرگ دیگری را در پی دارد و حتی در پاره ای موارد به قتل و غارت نیز می انجامد. یاد خداوند و توجه به غضب الهی و دل بستن به رحمت و غفران حضرت حق نقش سازنده ای در فرو بردن خشم دوری از انحراف و جلو گیری از پی آمدهای ناگوار آن دارد.

### پی نوشت ها:

- ۱ راغب اصفهانی، مفردات، واژه «ذکر».
- ۲ آیت الله ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۰.
- ۳ عبد علی بن جمعه عروسی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۴۴.
- ۴ علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۵۶، ح ۳۲.
- ۵ آیت الله ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۲.
- ۶ امام خمینی، چهل حدیث، ص ۲۹۱.
- ۷ همان، ص ۲۹۲.
- ۸ همان.
- ۹ همان.
- ۱۰ نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم حافظ
- ۱۱ نور / ۳۷.
- ۱۲ محمد ری شهری، میزان الحکمه، واژه «ذکر».
- ۱۳ شیخ عباس قمی، مقتیح الجنان مناجات الذاکرین.
- ۱۴ این کلمات بخشی از مناجات خمس عشر مناجات الذاکرین است.
- ۱۵ محمد ری شهری، کیمیای سعادت، محبت ص ۹۸.
- ۱۶ دیوان فیض کاشانی.
- ۱۷ عنکبوت / ۴۵.
- ۱۸ حسن زاده آملی، رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۳۶.
- ۱۹ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان ج ۱۶ ص ۱۳۶.
- ۲۰ احزاب / ۴۱-۴۲.
- ۲۱ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱.
- ۲۲ حسن زاده آملی، رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۳۵.
- ۲۳ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۶۰، ح ۳۸.
- ۲۴ احزاب / ۳۵.
- ۲۵ علامه فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸ ص ۱۵۹ (ذیل آیه سوره احزاب).
- ۲۶ همان.
- ۲۷ امام خمینی، چهل حدیث، ص ۲۸۸.
- ۲۸ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۵۴، ح ۱۶.
- ۲۹ همان.
- ۳۰ همان.
- ۳۱ محمد ری شهری، میزان الحکمه، واژه «ذکر».

